



مریم امیری

هفته گذشته برزیل شاهد تظاهرات بزرگی بوده است که مشابه آن را از زمان جنبش انتخابات آزاد در اواسط دهه ۸۰ و محاکمه «فرناندو کولور دو ملو» در سال ۱۹۹۰، تجربه نکرده بود. این حرکت که با تظاهرات کوچک‌تری در «سانائوپاولو» و «ریو دو ژانیرو» آغاز شد، حال به تظاهراتی با صدها هزار شرکت‌کننده در دیگر شهرهای بزرگ برزیل و برزیلی‌های دیگر نقاط جهان بدل شده است. اما به واقع چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

دلیل اصلی شروع اعتراضات افزایش نرخ حمل و نقل عمومی در سانوپاولو از سه ری‌س به ۲/۲ ری پس ذکر شده است با این حال چنین اتفاقی چگونه این همه خشم مردمان را برانگیخته است. به نظر می‌آید «جنبش حمل‌ونقل رایگان» محرک برانگیخته‌شدن خشم نهفته برزیلی‌ها در طول سالیان گذشته شده است.

برزیلی‌ها سال‌هاست سیاستمدارانی را در پست‌های حساس می‌بینند که قبلاً به خاطر فساد محکوم شده‌اند، اما بعدتر با تغییر قانون به نفعشان، مجدداً به قدرت بازگشته‌اند. از این دست مثال بسیار است. «پاولو مالوف» که شهردار سانوپاولو (بزرگ‌ترین شهر آمریکای لاتین) بود و پس از آن فرماندار ایالت سائوپاولو شد، مدت‌ها توسط پلیس اینترپل به دلیل کلاهبرداری و دارایی غیرقانونی تحت تعقیب بود. او اکنون از اعضای پارلمان است. «فرناندو کلدوملو» رئیس‌جمهور اسبق پس از دوراش به اتهام فساد مالی به مدت هشت سال از اشتغال پست دولتی منع شد. اکنون سناتور ایالت «آلاکوس» است. «مارکو فلیسیانو» یکی از اعضای پارلمان، که به سخنان ضد آفریقایی‌تبارها و زنان و همجنسگراها معروف است، اخیراً عضو کمیسیون «حقوق بشر و اقلیت‌ها» شده است.

در ۲۶ ژوئن پارلمان برزیل طرحی را به رای خواهد گذاشت که طبق آن با الحاقیه‌ای به قانون اساسی دادستان عمومی برزیل را از تحقیق در مورد فساد و جرایم ضد بشری که توسط مقامات رسمی انجام می‌شود منع خواهد کرد. فدراسیون صنایع دولتی برزیل تخمین می‌زند حدود ۲۵میلیارد دلار، آمریکا هرساله از خزانه برزیل با احتلاص مقامات دولتی به یغما می‌رود.

علاوه بر اینها مبالغ هنگفتی پول در سیاهچاله مراحل آماده‌سازی جام جهانی و جیب دست‌اندرکاران آن ریخته شده است. اخبار غیررسمی حاکی از آن است که قیمت بلیت‌های این جام آنچنان بالا در نظر گرفته شده است که فقط طبقات مرفه و خارجی‌ها قادر به خرید آن خواهند بود. در چنین شرایطی کیفیت بیمارستان‌ها و مدارس عمومی آنچنان پایین است که مردم فقط از سر ناچاری به آنها رو می‌آورند و در نهایت مشکل کلیدی دیگر، سیستم حمل‌ونقل عمومی رو به زوال برزیل است. فقرا که در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند عموماً روزانه دو ساعت را در اتوبوس‌های کثیف شهری تحمل می‌کنند تا به محل کار خود برسند. طبقه متوسطی‌ها نیز چنان در خیابان‌های ملو از خودروگیر می‌افتند که مجبورند زمان بسیار زیادی صرف رسیدن به محل کار و زندگی کنند. عامل رونق بخش معدن در برزیل نیز مانند استرالیا گرچه برای طبقات مرفه به معنای رفاه بیشتر، سفرهای تفریحی بیشتر و خریدهای آسان‌تر و بیشتر از اروپا بوده است اما برای دیگران بیش از هر چیز منجر به افزایش هزینه‌های زندگی شده است.

در چنین زمینه‌ای است که اعتراضات در روز چهارشنبه گذشته با سرکوب خشن پلیس مواجه شد و خطرات تلخ بی‌رحمی‌های پلیس در دوران دیکتاتوری نظامی در برزیل در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ را زنده کرد. در روز پنجشنبه پلیس اقدام به شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی به سمت معترضان کرد که منجر به زخمی و مصدوم‌شدن عدای از معترضان شد. معترضان طبقه متوسط اما در حالی از خشونت پلیس شوکه شده‌اند که سابق بر این مشابه این خشونت‌ها علیه ساکنان محلات فقیرنشین شهرها را به عینه ملاحظه کرده‌اند و به نوعی در فضای ناامن حاکم بر شهرها آنها را توجیه نیز می‌کرده‌اند.

در چنین سهری است که بسیاری، این اعتراضات را با رویدادهای مشابه ترکیه در روزهای اخیر، جنبش اشغال والراستریٔ و حتی بهار عربی مقایسه می‌کنند اما به هرحال تفاوت‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. در برزیل دولتی چپگرا بر سر کار است که علاوه بر رشد اقتصادی، در زمینه توزیع برابر ثروت نیز اقدامات چشمگیری داشته است. برای مثال ضرب‌چینی از ۵۵/۳ در سال ۲۰۰۱ به ۵۱/۹ در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است، با این حال این جامعه همچنان هفدهمین کشور از لحاظ نابرابری توزیع ثروت در جامعه است.

دولت برزیل برزیل با این اعتراضات اما چگونه باید باشد؟ دولت کارگری برزیل می‌توانست با برخورد همدلانه با این اعتراضات از نیروی آزاد شده در این اعتراضات برای پیشبرد سریع‌تر اهداف برابری خواهانه‌اش استفاده کند اما تاکنون این اتفاق نیفتاده است و عملاً برخورد خشن پلیس برزیل با این اعتراضات این دستاوردها را تحت‌الشعاع قرار داده است هر چند رئیس‌جمهور چندین‌بار نسبت به خشونت پلیس تذکر داده است.

بسه هر طریق، با وجود لغو مصوبه افزایش قیمت حمل‌ونقل عمومی در چند ایالت برزیل اعتراضات همچنان ادامه دارد. ادامه اعتراضات و گسترش ابعاد آن نشان می‌دهد که ماجرا ریشه‌دارتر از آن است که تصور می‌شود. برای شروع بایدباید با هم آماری را که از ترکیب معترضان انجام شده است، مرور کنیم:

معترضان را عموماً جوانان طبقه متوسط برزیل تشکیل می‌دهند: ۵۰ درصدشان زیر ۲۵سال دارند و ۷۵ درصدشان دارای مدرک دانشگاهی هستند. از این میان ۸۰ درصد معترضان به هیچ حزب و گروه سیاسی نیز وابسته نیستند. یعنی علاوه بر ساختار طبقه متوسطی معترضان، عدد آذگرای این امر است که خود این طبقه نیز نویاست و شاید در این روزها بیش از هر زمان دیگری دارد اعلام ظهور و قدرت می‌کند. برای مردم برزیل و بیش از ۵۰میلیون فقیری که در سال‌های حکمرانی دولت‌های کارگری برزیل به جمعیت طبقه متوسط اضافه شده‌اند، آنها که باید روزانه ساعت‌ها در ترافیک کشنده شهرهای بزرگ برزیل بماندند و هم‌زمان ساختوسازهای عظیم ورودی، انتظار کنند، در ک این نکته سخت نیست که سرعت واکنش دولت به درخواست‌های بهبود خدمات عمومی اصلاً متناسب با بریزوپویش‌های درخواستی فیفا و دوستان نیست. این انتظارات از دولتی که در طول سال‌های حکمرانی‌اش همواره در کنار رشد اقتصادی کشور بر برقراری نوعی از عدالت توزیعی هم تاکید کرده است به مراتب بیشتر هم خواهد بود. دولتی که با وضع مالیات‌های سنگین بهبود اوضاع اقتصادی بسیاری از مردم برزیل را به رفمان آورده است، حال ناگزیر است به خواسته‌های دیگری هم گوش فرا دهد. به نظر کریستوفر گارمن مدیر شعبه آمریکای لاتین موسسه مشاوره‌ای اوراسیا، دولت برزیل به یک معنا قربانی موفقیت‌های اقتصادی‌اش شده است: «با ثروتمندشدن برزیل خواسته‌های سیاسی تغییر خواهد کرد. مردم اکنون خواسته‌های دیگری از دولت‌شان دارند. وقتی یک کشور از جمع کشورهای کهدرآمد جهان جدا شده و به جمع کشورهای با درآمد متوسط می‌پیوندد با یک طبقه متوسط قدرتمند هم رویارو خواهد شد که خواستار اصلاحات اساسی و خدمات عمومی به مراتب بهتری هستند.

اعتراض‌ها هزینه‌های سرسام‌آور برگزاری جام جهانی و المپیک را نشانه گرفته‌اند و معترضان مضطرب و خسته از ناامنی و ترافیک در خیابان‌ها، می‌رسند اولویت با کدام است، با بهبود خدمات عمومی و رفاه عامه یا تجهیز ورزشگاه‌ها و تأمین ملزومات برگزاری دوفستیوال بین‌المللی؟

دولت برزیل هزینه‌های زیربنایی ورزشی‌اش را می‌تواند اینگونه توجیه کند که سرمایه‌گذاری لازمه رشد اقتصادی است و دولت عملاً دارد همین کار را می‌کند. اما طبقات رشد یافته برزیل به خوبی می‌دانند که در میان کوهی از مشکلات

در برزیل چه می‌گذرد؟

پیچ تاریخی دولت کارگری



AP-عین

و کمبودهای تأسیسات زیربنایی در بخش خدمات عمومی برزیل، دولت برای سرمایه‌گذاری ثروت‌های به دست آمده در این سال‌ها به بهانه‌های لوکس و تجملی که تحمیل نهادهایی فراملی مانند فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک هستند، نیازی ندارد. در ادامه تلاش می‌کنیم برای سوال چالش‌برانگیزی که معترضان برزیلی این روزها مطرح می‌کنند، پاسخی بیابیم.

آیا المپیک و جام جهانی اقتصاد را واقعاً تکان می‌دهند؟

تحلیلگران اقتصادی که اثرات برگزاری المپیک بر رویدادهای ورزشی مشابه را مثبت ارزیابی می‌کنند عمدتاً به درآمدها و اشتغال ایجاد شده و تغییر چهره شهر در کوتاه‌مدت اشاره می‌کنند، بعضاً اصرار می‌ورزند که این اثرات سبب رونق تورسم در شهرهای میزبان در آینده نیز می‌شود. اما کمیته «بررسی اثرات اقتصادی برگزاری بود. این نخستین نشان داد چنین تاثیر درازمدتی در مورد این شهر و صنعت تورسم آن وجود ندارد. درباره صنعت ساختوساز استندال مشابهی وجود دارد. نمودار زیر که حاصل مطالعات اقتصاددانان دانشگاه آکسفورد است نشان می‌دهد، با اینکه ارزش افزوده بخش ساختوساز، حول‌وحوش رویداد ورزشی (المپیک ۲۰۱۲ لندن) به شدت افزایش می‌یابد، ولی به همان سرعت نیز محو می‌شود. همچنین اشتغال ایجاد شده با ارزش افزوده جهشی این بخش، هیچ تناسبی ندارد. به علاوه دستمزد نیروی کار نیز بدون تغییر باقی می‌ماند.

نمودار در صد تغییر سالانه در اشتغال و ارزش افزوده ناخالص در بخش ساختوساز انگلستان، ۲۰۱۲-۲۰۰۰



منتقدان با فخرست‌کردن پروژه‌های بزرگ شهری که هیچ‌گاه تا برگزاری این رویداد به اتمام نمی‌رسند و هزینه‌های گزافی که عمدتاً از محل بودجه خدمات عمومی دولت‌ها صرف چنین پروژه‌هایی می‌شود، می‌گویند هیچ مدرکی بر اقتصادی‌بودن و رونق‌بخشی برگزاری چنین فستیوال‌هایی وجود ندارد. یادمان نرود که یونان با وجود همه پیش‌بینی‌ها از رونق اقتصاد و تورسم متعاقب برگزاری المپیک ۲۰۰۴، تنها سه سال بعد به ورطه‌ای از بحران افتاد که هنوز که هنوز است در آن غرق است. در همین زمینه گزارش ETOA اتحادیه اروپا قابل توجه است که در سال ۲۰۰۶، اثرات برگزاری المپیک بر تورسم را تنها یک سال پس از برگزاری آن، عملاً ناچیز برآورد کرده است.

دولت برزیل برای برگزاری جام‌جهانی حدود ۱۵میلیارد دلار خرج کرده است (تا سال آینده باید به ۳۰میلیارد دلار برسد). بخش مهمی از آن مستقیماً به جیب کاسب‌کارهای فاسد سرازیر شده و باقی صرف ساخت استادیوم‌هایی شده که

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲



جهان

ادامه از صفحه ۸

واشنگتن علیه رנסانس چین

در حالی‌که دو طرف به دنبال فصل تازه‌ای از روابط میان خود هستند، کارشناسان از تنش میان این دو کشور ابراز نگرانی می‌کنند. آنان بسر این باورند که آمریکا از افزایش قدرت نظامی چین به‌شدت هراس دارد و این مساله عامل اصلی تنش‌ها میان دو کشور است. چراکه چین در سال‌های اخیر به تولید سلاح‌هایی پرداخته است که توانمندی تسلیحات آمریکایی را خنثی می‌کند. کارشناسان معتقدند آمریکا در تلاش برای حفظ برتری در اقیانوس آرام است اما توانایی نظامی چین، چالشی جدی برای واشنگتن در این منطقه محسوب می‌شود.

مرحله اول سامانه موشکی جهانی آمریکا با استقرار اجزای این سامانه در منطقه اقیانوس آرام آغاز شده که هدف آن تضعیف توانمندی چین است. چین تسلیحات پیشرفته پدافند موشکی ساخته است و به سرعت توانمندی خود را در این عرصه تقویت می‌کند.

اما در این میان، مساله هسته‌ای کره‌شمالی شانس تازه‌ای به آمریکا داد تا برای بهبود روابط با چین پل بزند و از چین برای حل بحران کره‌شمالی استفاده کند. با این حال رقابت میان آمریکا و چین بر سر مسائله مهم‌تر از جنگ سایبری است.

آمارها نشان می‌دهد، اقتصاد چین که اکنون دومین اقتصاد دنیا را شکل می‌دهد در آینده بر آمریکا پیشی خواهد گرفت؛ در سال ۲۰۴۰ تولید ناخالص داخلی چین به ۴۰ درصد کل دنیا خواهد رسید؛ این در حالی است که تولید ناخالصی آمریکا ۱۴ درصد خواهد بود. اقتصاد چین در سال ۲۰۴۰ به ۱۲۳ تریلیون دلار می‌رسد یعنی سه‌برابر تولید کل اقتصاد دنیا در سال ۲۰۰۰.



شاید بتوان عملی‌شدن چنین اقتصادی‌را از حرف‌های رئیس‌جمهور جدید فهمید. شسی‌جنبشینگ که در ماه نوامبر ۲۰۱۲ به عنوان رئیس‌جمهور و رهبر حزب کمونیست چین منصوب شد، در اولین سخنرانی خود تاکید کرد که دولتش متعهد به رنسانس بزرگ در راستای منافع مردم کشورش است.

«شی» در مقابل نمایندگان کنگره ملی خلق چین در پارلمان این کشور گفت: هدف ما تحقق «روایی چینی» با اجرای رنسانس بزرگ برای مردم چین است. همچنین او بر احیای اقتصاد چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان تاکید کرد. به‌رغم اینکه دو کشور رتبه برتر اقتصاد در دنیا را دارند، اما با این حال هر دو با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

آمریکا و چین هر دو دارای اقتصاد دو شاخه‌اند. شغل‌های با درآمد پایین نظیر تورسم در این کشورها رو به افزایش است. هنوز میلیون‌ها نفر چینی با روزی کمتر از دودلار زندگی می‌کنند. ۴۰ درصد از فارغ‌التحصیلان چینی بیکارند این در حالی است که بازار کار در میان فارغ‌التحصیلان آمریکایی در سخت‌ترین دهه عمر خود به سر می‌برد.

تکنولوژی و جهانی‌شدن، بازار کار در آمریکا را با مشکل مواجه کرده است. بازاندیشی در علم، تکنولوژی، مهندسی و ریاضی در آمریکا ضروری به نظر می‌رسد. در چین هم مهندسان زیادی وجود دارند اما چندان خلاق نیستند. هیچ‌کدام از دو کشور دارای سیستم مراقبت بهداشتی کارآمد نیستند

یادداشت

علامت سوال‌ها در ناآرامی‌های برزیل



کمال اطهاری پژوهشگر اقتصادسیاسی

برزیل از بسیاری جهات از ساماندهی اجتماعی گرفته تا اجتماعی، الگویی برای دیگر کشورهاست. به دلیل دموکراتیک‌بودن این کشور، جامعه مدنی قوی و فعالی دارد. حزب کارگر که در برزیل قدرت را در دست دارد، فراگیرترین و توده‌ای‌ترین حزب موجود جهان است. این حزب متکی بر تشکیل‌های کارگری، معلمی و… است و از لحاظ درونی نیز سازماندهی دموکراتیکی دارد. این حزب فراکسیون‌های مختلفی دارد و از طیف وسیعی از الپهون آزادیبخش بر پایه ضدسلطه امپریالیستی آمریکا تا جریانات مختلف چپ تشکیل شده است. علاوه بر حزب کارگر حاکم، احزاب بسیار قوی دیگری هم وجود دارند. در انتخابات اخیر بعد از حزب کارگر، حزب سوسیال‌دموکرات بیشترین کرسی را به دست آورد و احزاب راست نتوانستند در قدرت وارد شوند. با این وجود همیشه ممکن است در میان یک حزب، جریان بوروکراتیکی به وجود آید که از مسایلی که در عمق جامعه به وجود آید غفلت کند. واکنش مردم هم می‌تواند به حزب هشدار دهد که دچار دیوانسالاری نشود. اما شک و تردید و سوالاتی در مورد این ناآرامی‌ها وجود دارد. اولین سوال این است که واژه میلیونی که در رسانه‌های دست راستی مطرح شده است، از کجا آمده است؟ این یک میلیون نفر در سطح چند شهر تجمع کرده‌اند و به‌این‌ترتیب در هر شهر تقریباً ۱۰ هزار نفر معترض حضور دارد اما با ترفند برخی رسانه‌ها این یک‌میلیون نفر در تیتز برجسته شد. مساله دیگری که در این میان تعجب‌برانگیز شده این است که تظاهرات‌ها از واکنش به شهرداری‌ها (افزایش قیمت بلیت اتوبوس) آغاز شده و اعتراض به دولت نبوده است. شهرداری‌های برزیل از لحاظ دموکراتیک‌بودن، الگو و در دست‌نخور تا تمام شهرداری‌های جهان هستند. شهرداری‌های برزیل به شیوه بودجه‌ریزی مشارکتی اداره می‌شود. این بودجه‌ریزی مشارکتی دو بال دارد، یک بال جغرافیایی دارد که از محلات سرچشمه می‌گیرد، به این ترتیب که نهادهی مثل شورایی‌ها تا شورای شهر، در این روند مدیریت شهری مشارکت دارند و در تعیین برنامه‌های شهرداری مشارکت می‌کنند. بال دیگر بودجه‌ریزی مشارکتی ترکیبی از اتحادیه‌های مختلف انجمن‌های صنفی و مدنی است. برنامه‌های شهرداری‌ها در برزیل به‌صورت مستقیم توسط این دو نوع شکل (جغرافیایی، طبقاتی) هدایت می‌شود. از همین‌رو تقلاب با شهرداری‌ها که به این ترتیب توسط مردم اداره می‌شوند، تعجب‌برانگیز است. نکته دیگر سوال برانگیز واکنش مردم و انتقاد آنها به برگزاری جام‌جهانی فوتبال است. برگزاری جام‌جهانی فوتبال در برزیل مانند برگزاری جام‌جهانی کشتی در ایران است. فوتبال با برزیل گره خورده است، مانند کشتی با ایرانیان و این واکنش بسیار تعجب‌برانگیز است. برگزاری مسابقات المپیک نیز برای همه کشورها مانند افتخار ملی است و از لحاظ اقتصادی نیز سودآوری دارد. عده‌ای در شبکه‌های مجازی مطرح کرده‌اند که مدتی است پلیس برزیل برای تأمین امنیت باری‌ها در محیط‌های آلونک‌نشین‌های برزیل که تحت نفوذ باندهای موادمخدر هستند، مستقر شده‌اند و در واقع بخشی از جمعیت آنها را به خودشان وابسته کردند. پلیس در آنجا نفوذ کرده تا با برنامه‌های توانمندسازی ساماندهی نوینی را ایجاد کند. پیش از این شورش‌ها نیز زدوخوردهای زیادی در این مکان‌ها بوده است و در مباحث مستقل عنوان می‌شود که بخشی از این ناآرامی‌ها منشأ این امر است. بنابراین نمی‌توان این ناآرامی‌ها را اعتراضات عمیق اجتماعی دانست، مگر آنکه اتحادیه‌های مختلف به آن پیبوندند. برزیل یک کشور پیشرو است و تنها جریان چپ پیشرو در چند سال در حاکمیت برزیل بوده است. برخی‌خو الگو را مطرح می‌کنند و می‌خواهند نا آرامی‌های برزیل را در قالب این‌الگو بگنجانند. یکی از این الگوها بهار عربی است که به لحاظ ماهیتی، ناآرامی‌های برزیل در آن نمی‌گنجد. الگوی اشتغال نیز نمی‌تواند مدل برزیل باشد. شهرهای برزیل نمونه شهرهای سبز هستند و حق دعوی مردم در محاکم قضایی در مورد این مسایل به رسمیت شناخته شده است. حق به شهر نیز که موضوع دسترسی به حمل و نقل ارزان، مسکن ارزان برای کهدرآمدها و مسایلی از این دست است، در شهرداری‌های برزیل دنبال می‌شود و با استاتبول قابل‌مقایسه نیست، به‌طور مثال «دیودهاوری» وقتی موضوع شهر شورش‌ی را مطرح می‌کرد از برزیل به‌عنوان الگویی برای دیگر کشورها یاد می‌کرد. موضوع روند رو به بهبودی داشته است. اما رسانه‌های دست‌راستی موضوع را تقریباً برعکس جلوه می‌دهند. فساد در همه کشورها وجود دارد و در برزیل نیز از آنجا که مقر کارتل‌های موادمخدر است، فساد وجود دارد. موضوع فساد عالم‌گیر است. از سیستم دو حزبی آمریکا تا چند حزبی اروپا فساد وجود دارد و به همین دلیل نسبت‌دادن فساد به حزب‌چپ نادرست است. در یک کشور دموکراتیک امکان حرف‌زدن در مورد فساد وجود دارد و از وظایف هر دولتی است که با فساد مبارزه و آن را حل کند. هر نظامی هر چقدر مشارکتی‌تر و دموکراتیک‌تر شود، فساد در آن کمتر می‌شود و در این زمینه برزیل پیشروترین بوده است.

